

در علوم ریاضی و ادبیات فارسی و عربی سرآمد و رساله‌ی در علم حساب و هیأت بنظم آورد. «ذوقی» تخلص می‌کرد و هر گونه خط را خوش می‌نوشت.

هنگام اقامت در شیراز، صاحب دیوان رسایل شد. فرزندی جز یک دختر نداشت که صاحب کمال بود و بسیاری از اشعار شعرای عرب را از برداشت و ادبیات عرب آشنا بود و شعر می‌گفت و «سلطانی» تخلص می‌کرد و خط نسخ را خوش می‌نوشت.

هنگامی که جعفرقلی خان شادلو، با بابت بجنورد و جوین و جاجرم و استراباد مأمور شد، حکیم فتح الله را بعنوان رئیس دفتر رسایل خود، همراه برد. با هدایت صاحب مجمع الفصحا، چه در شیراز و چه در تهران معاشرت و مؤانست داشت. هنگام تألیف گنج شایگان میرزا طاهر (سال ۱۲۷۲) هنوز در قید حیات بود و زمان تألیف مجمع الفصحا (سال ۱۲۸۸) در گذشته بود.

### (۷۵۱) فتح الله جلالی

دانشمند ارجمند استاد جلال الدین همائی در مقدمه دیوان طرب، در ترجمه احوال عبدالرحیم افسر، درباره جلالی چنین دارد: «... از یادگارهای خطش [افسر] قسمت اول روزنامه فرهنگ است که در زمان حکومت ظل السلطان، در اصفهان، چاپ سنگی شده و قسمت‌های بعدش بخط پسر او میرزا فتح الله خان جلالی است، متوفی غره شوال ۱۳۳۶ ق. که در شاعری و خوشنویسی خلف الصدق پدر بود و از نمونه‌های خطش دیوان ظهیرالدین فاریابی است، طبع سنگی اول ایران. خط و شعر و کتیبه کاشی کاری سردرب تکیه حاج محمد جعفر آباده‌یی، جنب مسجد رکن الملک تخت فولاد اصفهان هم از یادگارهای اوست. راقم سطور او را مکرر زیارت کرده‌ام؛ مردی آرام و درویش مسلک بود. از راه کتابت و تعلیم خط به اعیان زادگان شهر، معیشتی فقیرانه می‌نمود. رحمة الله علیه.»

### ف

فایض	= محمد فایض
فایض	= محمد فایض هروی
فایض	= علی

### (۷۴۹) فتاحی نیشابوری

نامش یحیی سبیک و از شعرا و نویسندگان دوره شاه رخ گورکانی است. ابتدا بمناسبت «سبیک»، «فتاحی» تخلص می‌کرد و بعد آنرا به «فتاحی» تبدیل کرد. گاهی «خماری» و «اسراری» نیز تخلص کرده است.

از آثار منظوم او، «شبستان خیال» و «مثنوی تعبیر خواب» و از آثار منثور وی «حسن و دل» یا «حسن و عشق» متداول است. فتاحی را تذکره نویسان، به خوشنویسی یاد نکرده‌اند و فقط در حبیب السیر، این عبارت است: «همواره بقلم گوهر نگار، نقش تألیف و تصنیف پرورق روزگار می‌نگاشت» و یک نسخه رساله «حسن و عشق» او در کتابخانه دانشگاه استانبول است که، بقلم کتابت خوش نوشته شده است و چنین رقم دارد: «اقل العباد فتاحی نیشابوری» که اگر نسخه واقعاً بخط خود او باشد، باید وی را از کاتبان خوشنویس دانست.

### (۷۵۰) فتح الله بسطامی

حکیم ادیب شاعر از قبیله بنی عامر و ساکن بسطام بود و در آن شهر ایام جوانی را به تحصیل کمال آغاز کرد و در اوایل دولت محمد شاه قاجار، برای دیدار خال خود، حبیب الله خان عرب، بفارس رفت و در شیراز به تکمیل تحصیلات پرداخت

از آثار دیگروی در محراب مسجد صفای اصفهان (محلّه چهارسو) که امروز بنام مسجد حاجی سید جواد معروف است؛ کتیبه ایست برنگ سفید برزمینه لاجوردی شامل شش بیت فارسی بخط نستعلیق خوش، که رقم دارد: «کتبه المذنب فتح الله غفر له ۱۳۱۶»  
در گنجینه آثار تاریخی اصفهان، تاریخ تولد جلالی سال ۱۲۸۹ ق. ضبط شده است.

### (۷۵۲) فتح الله کاتب

در تبریز کاتب شاه اسمعیل اول صفوی (۹۰۷ - ۹۳۰) بود. بعد بعثماني رفت و در استانبول کاتب سلطان سلیم اول (۹۱۸ - ۹۲۶) گردید. سردی خوش محض و نیک صحبت بود و شعر فراوان از برداشت و همه خطوط را خوش می نوشت و شعر می گفت.

بخطوی قطعه بی در مرقع بهرام میرزا صفوی، در کتابخانه خزینه اوقاف است که بقلم سه دانگ و کتابت خفی خوش نوشته است و رقم: «العبد فتح الله» دارد.

### (۷۵۳) فتح علی تنکابنی - میرزا

از کاتبان دربار محمد شاه و ناصرالدین شاه قاجار بود. شرح احوال وی را نیاورده اند، و باید وی را کاتبی خوش نویس دانست. از خطوط وی دیده ام:

یک نسخه جنات الخلود، بقلم کتابت خوش، که چنین تمام می شود: «در عهد خجسته... محمد شاه قاجار... بذات مجاهد صفات... حاجی میرزا آقاسی... استحکام و خلود یافته، این کمترین بنده فدوی و چاکر زاده دولت جاوید اساس خسروی، فتح علی تنکابنی... بکتابت این نسخه شریفه، قلم وار سر بخط بندگی گذاشت... تحریراً فی شهر ربیع الاول سنه ۱۲۵۶ هزار و دوویست و پنجاه

وشش از هجرت...» در کتابخانه سلطنتی، تهران؛

یک نسخه آتشکده آذر، بقلم کتابت عالی، که چنین تمام می شود: «از ناسازگاری سپهر دون و از کج رفتاری فلک بوقلمون، بواسطه عدم مساعدت بخت زیون شغل و کار آباء و اجداد خود را از دست داده و از وطن مألوف متواری و روی بدار الخلافه طهران نهاد. خواست کاری را که زیاده موجب خفت و مورث غفلت نباشد، در پیش گیرد... بشغل کتابت قیام و اقدام نمود و باستتساخ نسخه آتشکده پرداخت... بواسطه پریشانی حواس و اختلال اوضاع که مستلزم نسیان است... بنظر التفات نگردد... حقیر الفقیر المذنب العاصی، فتح علی تنکابنی غفر الله ذنوبه و ستر عیوبه. فی شهر ربیع الثانی سنه هزار و دوویست و شصت من هجرة...» در همان کتابخانه،

یک مرقع، بقلم نیم دودانگ و کتابت رنگه خوش، که چنین تمام می شود: «السلطان... ناصرالدین شاه... چون در حضرت شاهنشاه... این چاکر در گاه که مفرخش خدمت هفتاد ساله خود واجداد است... بالمره از درجه خدمتگزاری باطل و عاطل و محروم از عنایات خسروانه نماند که، مدت هشت سال است بی ظهور خیانت از شغل و عمل سوروئی معزول و در کنج عزلت نشسته و بین الامثال ضعیف و سرشکسته گشته... هر چند این بنده در گاه خود را لایق خدمتی و شایسته عنایتی نمیداند، نهایت از آن جایی که، غلام پیر چو شد مستحق احسان است... حرره العبد المذنب، فتح علی تنکابنی ۱۲۷۵» در همان کتابخانه؛

و از بهترین آثار وی، وقتی یک مرقع مناجات حضرت علی بن ابی طالب، دیدم که از روی خط میرعماد، بهترین وجه، بقلم دودانگ و کتابت خفی عالی، نقل کرده بود و رقم و تاریخ: «فتح علی تنکابنی، سنه ۱۲۷۲» داشت.

### (۷۵۴) فتح علی شیرازی - میرزا

از نستعلیق نویسان طراز اول دوره قاجار است. نام پدرش در آثار عجم، آقا

محمد جعفر و در فارسنامه ناصری، میرزا بابای درویش ذهبی آمده است، و ممکن است هر دو درست باشد که، غالباً اسم «بابا» را بعنوان لقب، باشخاص اطلاق کرده اند.

میرزا فتح علی بفضل و کمال موصوف است. شعر می گفت و «حجاب» تخلص می کرد. بسال ۱۲۶۹ در شیراز در گذشت و در بقعه شاه چراغ بخاک سپرده شد. میرزا احمد دیوان بیگی در حدیقه الشعراء می نویسد: «... پدرش آقا محمد جعفر در عصر خود در فن حکاک می منحصر بفرود سلاطین و حکام ایران بلکه هندوستان و سند و افغانستان هم مهر از او می خواستند و می بردند. خود آقا فتح علی از اول عمر در خدمت مرحمت پناه میرزای وصال مشغول تحصیل کمال و به حسن تربیت ایشان به علاوه کمال، تحصیل اخلاق و حال هم کرده مردی پسندیده گردید. خط نسخ تعلیق را بجایی رسانید که، اغلب بر روی کاغذهای کهنه با مرکب کم رنگ، چیزی می نوشت و نزد ارباب خط می فرستاد همه تصدیق می کردند که، خط میراست. بعد از آن قدری تصرفات ظریف در آن کرده نکات لطیف بیفزود که، خیلی شیرین تر و خوشتر شد. در رسوم شاعری هم بین الاقران ممتاز بود، دیوانش قریب شش هفت هزار بیت است. در حدود سال هزار و دو بیست و شصت و اند به رحمت ایزدی فایض شد، از عمر تمتعی کامل ندیده و عمرش به پنجاه نرسیده بود...»

حجاب اصناف نستعلیق را از شش دانگ تا غبار بسیار استوار و صاف می نوشت. بخط وی دیده ام:

یک نسخه شش دفتر مثنوی مولانا، بقلم کتابت خفی عالی، با رقم و تاریخ: «تمت الكتاب... کتبه فتح علی الشیرازی المتخلص بحجاب، سنه ۱۲۶۳» در کتابخانه سلطنتی، تهران؛

یک نسخه لوایح جامی، بقلم نیم دودانگ خوش، با رقم: «بجهت پیش کش... محمد شاه... اقل الکتاب فتح علی الشیرازی المتخلص بحجاب تحریر نمود...» در همان کتابخانه؛

یک نسخه تاریخ معجم، بقلم نیم دودانگ که دو صفحه بقلم پنج دانگ عالی دارد و چنین تمام می شود: «حسب الامر... محمد شاه غازی مرقوم رقم داعی این دولت مستطاب، اقل الکتاب فتح علی الحجاب، گردید.» در همان کتابخانه؛

یک مرقع سی و دو رقع، بقلم دو دانگ خوش، با رقم و تاریخ: «العبد المذنب... اقل الکتاب فتح علی الشیرازی المتخلص بحجاب، عفی الله عن جرائمه فی سنه ۱۲۶۶» در همان کتابخانه؛

یک نسخه سیحه الا برار جامی، نا تمام (که شرح آن در ترجمه حکیم بن وصال شیرازی آمده است) در همان کتابخانه؛

یک مرقع چهارده رقع، مناجات خواجه عبد الله انصاری، بقلم دو دانگ عالی، با رقم و تاریخ: «کتبه العبد المذنب الرأجی فتح علی الشیرازی، غفر ذنوبه و ستر عیوبه، فی ۱۲۶۳» در کتابخانه مرحوم حاج سید نصر الله تقوی، تهران؛

قطعات متعدد دیگر، از جمله دو قطعه در مجموعه مهندس عباس مزدا و یکی در مجموعه آقای کریم زاده و یکی در مجموعه نگارنده، بقلمهای سه و دو نیم دودانگ عالی و خوش، با رقم های: «حرره العبد فتح علی الشیرازی، فی سنه ۱۲۵۸» و «حرره حجاب فی دار الخلافه» و «العبد فتح علی غفرله».

فتوی امینی = محمد سلیم افندی

### ۷۵۵) فخر جهان

از بانوان هنرمند وابسته بدربار قاجار بود. از آثار هنری او یک مرقع خطوط و کار ناخنی در کتابخانه سلطنتی است، بخطوط نستعلیق و شکسته تعلیق و نسخ و شکسته نستعلیق خوش و متوسط، که چنین رقم دارد: «حرره اقل خادمة الدولة القاهرة الباهرة، فخر جهان».

## ۷۵۶) فخرالدین

از خوش نویسان گمنام قرن یازدهم است که ظاهراً از خطاطان دربار شاه جهان پادشاه هند (۱۰۶۸ - ۱۰۳۷) بوده و در مرععی که ظاهراً برای این پادشاه فراهم آمده است، اولین قطعه آن بخط اوست که بقلم سه دانگ و دو دانگ خوش نوشته است و چنین رقم دارد: «بنده شاه جهان فخرالدین، غفرالله ذنبه».

فخرالدین کاتب	= احمد
فخرالدین بخاری	= علی
فخرالدین جامی	= علی
فخرالزمان	= فیضی

## ۷۵۷) فخری

از مردم بورسه و از قاطعان خوشنویس قرن یازدهم عثمانی است. از آثار وی دیده ام:  
چهارده قطعه در مرععیهای مختلف، بقلمهای چهار دانگ و سه دانگ خوش بریده، با رقمهای: «فخری» و «فخری البرسوی» در کتابخانه خزینه اوقاف، استانبول.

فراش باشی = محمدحسین تهرانی

## ۷۵۸) فرج الله - حافظ

از خوشنویسان گمنام قرن نهم بود و بخط وی دو قطعه در دو مرقع کتابخانه خزینه اوقاف استانبول است، بقلم کتابت جلی و کتابت متوسط، با رقمهای: «مشقه فرج الله الحافظ ببغداد» و «کتبه العبد الغریب المحتاج الی رحمة الملك

الودود، فرج الله الحافظ، اصلح الله شأنه ابدأ بالنبی الامی محمد وآله الطاهرين، فی غرة شهر رجب المرجب سنة سبع وستين وثمانمائة».

## ۷۵۹) فرج الله محلاتی - میرزا

اصلاً شیرازی است و برادر بزرگ حبیب الله خاقانی، که در طفولیت، پدر آنها از شیراز به محلات آمد و متوطن شد و فرزندان او در اینجا بکسب علم و هنر پرداختند. میرزا فرج الله با استعداد ذاتی، در اندک زمانی، در خط نستعلیق سرآمد. شعر می گفت و «طرفه» تخلص می کرد. پس از چندی بتهران آمد و هنگامی که بهمن میرزا برادر محمد شاه قاجار، بایالت آذربایجان می رفت، وی بملازمت او گماشته شد و دیوان رسالت با و مقفوض گردید و هم چنان در تبریز بود، تا بهمن میرزا بتهران آمد و میرزا فرج الله همراه او بود و در پایتخت، جزو مداحان دربار ناصرالدین شاه آمد و بلقب «خازن الاشعار» مفتخر شد و اشعار ناصرالدین شاه را بخط خوش خویش گرد آورد. دیوان بیگمی می گوید: «ادب طرفه بیش از میرزا حبیب خاقانی بود، خطش هم امتیاز داشت. بعد از رفتن بهمن میرزا به مملکت روس چندی بیکار بود، بعد بوسیله عبد العلی خان ادیب الملک در حضرت سلطان ناصرالدین شاه معروف و مأمور جمع و نگارش اشعار شاه گردید «خازن الاشعار» لقب یافت. بقدر معاش مقرری در حقش برقرار است».

تاریخ وفاتش معلوم نشد، ولی هنگام تألیف مجمع الفصحاء (سال ۱۲۸۸) هنوز می زیست و زمان تألیف المآثر و الآثار (سال ۱۳۰۶) در گذشته بود.

یک قطعه بقلم چهار دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «مشقه العبد فرج الله» در مجموعه آقای کریم زاده هست، که احتمالاً بخط همین میرزا فرج الله است.

## ۷۶۰) فرخ حسین

منشی فرخ حسین بن شیخ غلام مصطفی، بقول صاحب تذکره روز روشن،

در شهر اتاوه هندوستان می زیست. در شاعری شاگرد میرزا محمد حسن قلیل بود و «حرمان» تخلص می کرد. نستعلیق و شکسته نستعلیق را خوش می نوشت.

فرس	= عنایت الله شیرازی
فرمان	= محمد صالح اصفهانی
فروغ	= محمد قاسم خان سلک الشعراء
فرهنگ	= ابوالقاسم شیرازی
فریب	= عبدالغفار اصفهانی
فرید	= عبدالغفار

### (۷۶۱) فرید کاتب

از شاعران و کاتبان خوشنویس گمنام قرن دهم شیراز است و بخطوی دیده ام:

یک نسخه سبحة الابرار جاسی، بقلم کتابت خفی خوش (کاملاً بشیوه سلطان محمد نور) با رقم و تاریخ: «تمت بعون الله تعالی وحسن توفيقه و الصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین، فی شهر سنه خمسین وتسعمائة، العبد فرید» در کتابخانه آقای سلطان القرائی، تهران؛

یک نسخه مجالس العشاق، بقلم کتابت خوش، با رقم: «فرید الکاتب» و تاریخ ذی الحجة سال ۹۰۹، در کتابخانه بادلیان، آکسفورد؛

یک قطعه از یک مرقع، بقلم سه دانگ و کتابت خوش، از اشعار خود او: «چه باشد تهنیت زین به که در عید / مدد خواهم ز یس و تبارک / که تا باشد جهان و عید آید / تو باشی و بود عیدت مبارک / العبد فرید کاتب شیرازی».

فریدالدین = جعفر تبریزی

### (۷۶۲) فریدون

خوشنویس گمنامی از قرن یازدهم است و بخطوی قطعهای دارم که بقلم

بقلم سه دانگ و دودانگ خوش نوشته است و رقم دارد: «راقمه کمترین غلامان، فریدون».

### (۷۶۳) فضل احمد

از خوشنویسان هندوستان است و بخطوی قطعهای در سوزه پنجاب لاهور است، بقلم سه دانگ و نیم دودانگ خوش، با رقم و تاریخ: «کتبه فضل احمد سنه ۱۱۵۷».

### (۷۶۴) فضل الله

ظاهراً از خوشنویسان دربار محمد شاه هندوستان بوده و بخطوی دو قطعه در مرقعی از کتابخانه بادلیان است که، یکی قطعه شعری در مدیح محمد شاه مزبور، بقلم سه دانگ و دودانگ و کتابت خوش است، با رقم و تاریخ: «کتبه فضل الله سنه ۱۱۳۰» و:

«محمد شاه غازی شاه شاهان داور عالم

که آیات جمالش شرح اعجاز است قرآن را

کمترین غلامان در گاه آسمان جاه، فضل الله».

### (۷۶۵) فضل الله خان - میرزا سید

ملقب به وکیل الملک از منشیان دربار ناصرالدین شاه بود و بعدها وزیر خلوت دربار مظفرالدین شاه قاجار گردید، از سادات آذربایجان و از خاندان مرحوم میرزا رفیع نظام العلماء تبریزی و از کارگزاران و پیشکاران آن سامان بود. سپهر گوید که نستعلیق و شکسته را خوش می نوشت و از فنون انشاء و ادب سر رشته داشت و

بتقوی و دیانت معروف بود. بسال ۱۳۲۰ بوزارت تجارت منصوب گردید. تاریخ وفاتش معلوم نشد.

از آثار وی دیده‌ام :

دو قطعه از دو مرقع کتابخانه سلطنتی، که رقم و تاریخ دارد: «بنده درگاه کیوان‌جاه فضل‌الله طباطبائی سنه ۱۲۸۱» و «برای یادگاری... آقای لسان‌الدوله کتابدار باشی [کتابخانه سلطنتی ایران] و پیشخدمت خاصه حضور همایونی [مظفرالدین شاه قاجار] مشفق شد، فی شهر ذی‌قعدة الحرام سنه ۱۳۱۹، فضل‌الله الطباطبائی».

### (۷۶۶) فضل‌الله ساوجی

حاج میرزا فضل‌الله از خاندان شاملو و از اولاد حسن خان شاملوی معروف است که بعدها اولاد وی از خراسان رخت بعراق کشیده و در ساوه مسکن گزیده‌اند.

حاج میرزا فضل‌الله در زمان سلطنت فتح‌علی شاه قاجار، معلّم علی خان ظلّ السلطان بود و هنگامی که محمد شاه به قصد حصار هرات رفت، ساوجی از تهران باردوی همایونی منتقل شد و مورد لطف شاه واقع گردید.

صاحب مجمع الفصحاء و گنج‌شایگان و دیگران ساوجی را به محامد اخلاق و مراتب فضل و کمال و جودت طبع، یاد کرده و گفته‌اند که در نزد اقران با احترام می‌زیست و بعضی شاعران عصر مانند شباهنگ، در اشعار خود وی را ستوده‌اند.

دیوان بیگی در ضمن ترجمه پسرش میرزا ابوالفضل می‌نویسد: حاج میرزا فضل‌الله از مشاهیر اطبا و خوش‌نویسان شکسته و ساکن طهران بوده و عمر بسیار یافته و بعضی مسافرت‌ها کرده، همانا وقتی برخی از غرایب مسموعات و مشاهدات خود که در زمان مسافرت‌هایش روی داده بود حکایت کرده‌اند که مستمعین از قبولش انکار نموده و در غیاب نسبت جعل باور داده بودند و این سخن در زبان حساد و اضرارش

افتاده کم‌کم بر سر زبان مردم انداختند که حاج میرزا فضل‌الله جعل است و حکایات بلاواقع نقل می‌کند و این تهمت در حق آن مرد محترم باقی ماند و از افواه نیفتاد تا آنگاه که از جهان رفت، مردم یاوه‌گو دست برداشته‌اند...»

از خطوط، علاوه بر نستعلیق، ثلث و نسخ را خوش می‌نوشت. در ظهر عاشورای سال ۱۲۷۵ در تهران در گذشت و جنازه‌اش را به نجف منتقل کردند و در وادی السلام بخاک سپردند.

(حاج میرزا فضل‌الله پدر میرزا ابوالفضل ساوجی معروف است که ترجمه احوالش گذشت)

از خطوط وی قطعه سیاه مشقی در کتابخانه ملی تهران است که بقلم چهار دانگ خوش نوشته است و رقم دارد: «ذلک فضل‌الله»

و دیگر قطعه‌ای بقلم شش دانگ و نیم و دودانگ خوش در مجموعه آقای کریم زاده بمضمون ورقم و تاریخ: «یا هو» در نهایت افسردگی و بیدماغی نوشته شد، کتبه الحقیقیر لله، فضل‌الله ۱۲۵۷».

### (۷۶۷) فضل‌الله شیرازی - میرزا

برادر میرزا علی نقی خوش‌نویس معروف و پسر میرزا یوسف مذهب باشی است. ابتدا بخط شکسته نستعلیق رغبت داشت، ولی بعدها به نستعلیق متمایل شد. در آثار عجم آمده است که در سنین جوانی بسال ۱۳۱۰ در شیراز در گذشت. فرصت شیرازی ماده تاریخ وفات وی را چنین یافته‌اند: «جاودانه باد او در سایه فضل‌اله»

از خطوط وی دیده‌ام :

یک نسخه لوایح جاسی، در کتابخانه مرحوم حاج سید نصرالله تقوی، بقلم نیم دودانگ خوش، که چنین تمام می‌شود: «بر حسب فرمایش... محمد صادق خان... بتحریر و تسوید این اوراق پرداخت، العبد... فضل‌الله ابن‌المرحوم

المغفور ، میرزا محمد یوسف المذهب طب ثراه ، فی شهر جمادی الاولی ، سنه ۱۳۰۵ .

و نیز یک نسخه کلیات سعدی ، بخط وی بیچاپ سنگی رسیده است .

### (۷۶۸) فضل الله عاملی

از خوشنویسان گمنام نیمه دوم قرن دوازدهم و نیمه اول قرن سیزدهم بود و بخط وی دو قلم از مرقدی در کتابخانه بادلیان است که ، بقلم سه دانگ و نیم دو-دو دانگ خوش نوشته ورقم و تاریخ دارد : «بجهت نوآب الله قلی میرزا نوشته شد کتبه فضل الله العاملی ۱۰۲۴» .

### (۷۶۹) فضل الله موسوی

از کاتبان گمنام قرن نهم بود و بخط وی یک نسخه خلدبرین مجدد خوانی ، وقتی ، در کتاب فروشی دیدم که ، بقلم کتابت خفی متوسط ، بشیوه اظهر تبریزی نوشته بود و چنین تاریخ ورقم داشت : «قد وقع الفراغ . . . فی العشرین من شهر الله الشوال ، حجة اربع وثلثین وثمانمائه . قد خدم بکتابته اقل عباد الله واحوجهم ، فضل الله بن مرتضی الموسوی ، حامداً و شاکراً» .

### (۷۷۰) فضل علی

از خوشنویسان متوسط گمنام قرن حاضر و ظاهر آرد در بار مظفرالدین شاه قاجار ، هنگام ولیعهدی وی در تبریز بوده است و بخط وی قطعه ای بقلم چهار دانگ خوش ، در کتابخانه سلطنتی است که چنین رقم و تاریخ دارد : «بنده در گاه حضرت ولیعهد گردون مهد ، فضل علی سنه ۱۲۸۰» .

فغانی = سعید

### (۷۷۱) فغفور لاهیجی

از حکما و نقبا و سادات جلیل و متمکن لاهیجان بود . در مآثر رحیمی آمده است که ، پیوسته در خدمتش علما و فضلا ، گرد می آمدند و خود در نزد خان احمد خان گیلانی قربت و مکنات داشت . در سخنرانی و طب سرآمد بود و علم طب را در مطب خال خود ، حکیم تاج الدین حسین ، پزشک میرسلطان مراد خان فرمانفرمای مازندران آموخته بود . از علم موسیقی و ادوار بهره داشت و در خط نستعلیق ، استاد بود . شعری گفت و ابتدا «رسمی» و گاهی «سیر» و آخر «فغفور» تخلص می کرد .

هنگامی که خان احمد خان گیلانی از ایران گریخت ، چون به گنجه رسید ، فغفور به تبریز و از آنجا بگنجه ، نزد اورفت و منظومه «شهر آشوب» را در آنجا بنظم آورد و چون خان احمد خان به عثمانی رفت ، فغفور به گیلان باز گشت ، از آنجا باصفهان آمد و با حکیم شفائی مشاعره ها کرد . علی قلی خان شاملو دیوان بیگی شاه عباس ، بصحبت وی متمایل شد و مدتی همدم یکدیگر بودند .

فغفور پس از گذشت زمانی ، از اصفهان روانه هندوستان شد و بخدمت خان خانان ، عبدالرحیم خان رسید و خان مزبور مقدم وی را گرامی شمرد و فغفور تا سال ۱۰۲۴ در شهر برهان پور در دستگاه خان خانان بمدّاحی وی سرگرم بود و سال بعد بتوسط خان خانان بملازمت شاهزاده پرویز نایل آمد و هم چنان می زیست ، تا بسال ۱۰۲۹ در گذشت و در نزدیکی الله آباد بر سر راه آگره ، بخاک سپرده شد . ماده تاریخ وفاتش این است :

رفت فغفور سخن از ملک نظم	داغها بر سینۀ احباب هشت
تا دهد آب از سحاب چشم ما	گوهر یکک دانه را در خاک کشت
چون بهشتی بود ، شد تاریخ او	(هم نوا با عندلیبان بهشت)

فغفوری = محمد حسین گیلانی

### (۷۷۲) فنائی مشهدی

بقول صاحب تذکره روز روشن ، پیشه علفی داشت و نستعلیق را خوش می نوشت .

فوز = علی حسینی

### (۷۷۳) فولاد محمد بخاری

فرزند یار محمد از کاتبان گمنام قرن دهم و یازدهم بود و بخط وی دو نسخه تذکره دولت شاه سمرقندی دیده ام باین قرار :

یک نسخه ، بقلم کتابت متوسط ، با تاریخ ورقم : « قدا تفق الفراغ من اتمام هذا الكتاب المسمی بتذکره الشعراء . . . فی الضحوة الکبری من یوم الاربعاء عشرين من محرم سنة ثمان وتسعين وتسعمائة ۹۹۸ من هجرة النبوية . کتب لاجل . . . میرزائی آگه . . . وانا العبد الضعیف الکاتب . . . فولاد محمد بن یار محمد البخاری » در نزد آقای صدیقی ، تهران ؛

نسخه دیگر ، که آنرا برای خواجه عبدی نامی کتابت کرده است و چنین تاریخ ورقم دارد : « تمت الكتاب . . . سنة اربع و الف و . . . علی يد العبد الضعیف النحیف الراجی بعفو الله تعالی باری ، فولاد محمد بن یار محمد البخاری . . . » در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

فیاضی = الله وردی میرزا

فیروز میرزا = نصره الدوله

### (۷۷۴) فیض

میرزا سنگلاخ او را بنام امیر فیضا ، و بالقب فیخر الزمان خوانده است . شاگرد

میر عماد دانسته ، گوید بسیار شبیه با استاد خود می نوشت و بسال ۱۰۷۷ در اصفهان در گذشت و در گورستان تخت پولاد مدفون شد .

فیضان = محمد ابراهیم

فیضی = حسن واعظ - سید

فیضی = حسین

### (۷۷۵) فیضی - میر

در خلاصه الاشعار آمده است که از سادات مرعشی و مردی فصیح و بلیغ بود و غزل را خوش می سرود و از انشاء سر رشته داشت . نستعلیق را خوش می نوشت و از موسیقی بهره داشت و خوش می خواند و چون باشعار خود عقیدتی داشت ، آنها را با هنگ می خواند . بوی نسبت شعر دزدی هم داده اند و حیرتی شاعر گفته است که « میر فیضی شعر می دزدد که خود بهتر از آن تواند گفت » .

صاحب مناقب هنروران او را برادر حافظ باجان تربتی و از خوشنویسان دربار بایسنغر میرزا دانسته است و ممکن است که این فیضی ، فیضی دیگری بوده باشد .